



ادریس راموز

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگر مطالعات فرهنگی

ابوالبشر بر سنگ نقش بسته بود و مردم برای استسقا زیارتش می‌کردند و چه بسا پیش از آن که به عنوان «موضع دم آدم» شهرت یابد، قربانگاهی باستانی برای باران خواهی بوده است. وی به همین ترتیب گزارش می‌دهد که در حمص، بر ستونی اثر انگشت علی (ع) نقش بسته است و مردم آن را زیارت می‌کنند و بدان تبرک می‌جویند. ظاهراً بدین مکان، «مشهد علی بن ابی طالب (ع)» گفته شده است. در اواخر سده ششم زیارت مشاهده آن چنان در میان عامه رواج داشت که در حدود سال ۵۸۸ قمری برخی عراقیان برای زیارت مشاهده شام، به آنجا سفر می‌کردند. باین حال، تاکنون در آثار عامه مسلمانان برای یادکرد این قبیل مکان‌ها از تعبیر «مشاهد» استفاده نشده است. ابن عساکر در یادکرد مساجد پیش گفته شام، آن‌ها را «مساجدی که برای زیارت قصد می‌شوند» می‌خواند.

توسعه زیارت مسجد به زیارت هرگونه مشهد، ظاهراً حلقه‌های واسطه‌ای نیز دارد. از جمله، ابن عساکر درباره مسجدی در کوه قاسیون گزارش می‌دهد که قبر موسی (ع) در آن واقع شده است و مردم به زیارتش می‌روند. چنین مکانی از یک سو مسجد محسوب می‌شود و می‌تواند بر پایه هنجارهای کهن‌تر، مکانی زیارتی محسوب گردد. از دیگر سو، قبری پیامبر (ص) در آن و امکان تبرک جستن بدان، و به ویژه واقع شدنش در کوهی مقدس، می‌تواند زمینه‌ساز حضوری جدی‌تر از یک مسجد معمولی در آن باشد. به وضوح می‌توان دریافت که در آیین‌های این قبیل زیارتگاه‌ها، عامه مسلمانان از شیعیان اثر پذیرفته‌اند؛ چراکه نماز خواندن در نزدیک قبور بزرگان دین، رفتاری شیعی بوده است. در همین دوره شیعیان هم پیش از پیش به زیارت مشهد متمایل می‌شوند. پیش از این کتب روایی و فقهی شیعیان بحث درباره مشهد را نیز در برداشته‌اند؛ اما زیارت مساجد و مشهد مختلف به عنوان بخشی مهم، در کتب آداب زیارت جای نگرفته بودند و حداکثر آن بود که در ضمن دیگر مباحث کتب مزار از آن‌ها نیز یاد شود. اصطلاح مشهد را در سده ۴ قمری می‌توان در کافی کلینی دید و اصطلاح «مشاهد شریفه» نخستین بار در مصباح‌المتجهد شیخ طوسی مشاهده می‌شود.

کاربرد این اصطلاح در دوره‌های بعد نزد عامه نیز رواج می‌یابد. از حدود سده ۷ قمری مشهد نیز همواره در کنار مزارات یاد می‌شوند. در این سده مشهد فراوانی در جای جای جهان اسلام برای زیارت وجود دارد. برای نمونه، تنها در شهر حمص می‌توان مشهد کعب الاحبار، ابودرداء، قنبر غلام علی (ع)، جعفر طیار، قبر خالد بن ولید، قبر عبیدالله بن عمر و دیگرانی از بزرگان صدر اسلام و صوفیه را نمونه آورد. عملاً در این عصر زیارت مشهد مختلف، روشی برای ستیاحی و جهانگردی بود. علی هتروی (۱۱۶ق)، جهانگرد مشهور همین دوره، افزون بر سفر به همه مکان‌های زیارتی جهان اسلام، اثری جغرافیایی نیز با عنوان الاشارات فی معرفة الزیارات بر جای نهاد.

توجه گسترده‌تر به مشهد را در تألیفات شیعی بعد از این دوران هم می‌توان سراغ داد. از جمله، شهید اول (۲۸۶ق) در کتاب مزار خویش، یک بخش از دو بخش عمده اثر خود را به یادکرد مشهد اختصاص می‌دهد. این باب (ص ۲۱۸ به بعد)، آداب و آیین‌های زیارت قبر یونس نبی، هانی بن عروه، مختار ثقفی، مساجد مختلف کوفه و دیگر مشهد کوفه را به تفصیل در برمی‌گیرد.

مفهوم زیارت

در بحث لغوی، گاه زیارت را به معنای «رفتن به موضعی خاص، بدون قصد اقامت دائم در آن» گرفته‌اند؛ گاه نیز آن را به معنای «قصد دیدار کسی کردن با هدف بزرگداشت و انس گرفتن با او» دانسته‌اند؛ گاهی نیز بی‌هیچ کوششی برای کشف مؤلفه‌های معنایی زیارت، آن را به مطلق «دیدار» تفسیر کرده‌اند.

در بسیاری از ادیان، زیارت عبارت است از مسافرتی کهن به مکانی مقدس در دوردست، که به سبب قدمتش قداست پیدا کرده است. این پدیده یعنی تحرک و جابه‌جایی با هدف دینی، در میان مردمان بسیار کهن هم دیده شده است؛ مردمانی در هند، چین، سیلان، ژاپن و یهودیان، مسیحیان و مسلمانان نیز آداب مخصوصی برای چنین مسافرتی دارند؛ همچنان که چنین آدابی را می‌توان در بسیاری از ادیان قبیله‌ای نیز سراغ گرفت.

سفر عبادتی با این باور گره خورده است که حضور نزد قدیسان، قهرمانان و اولیاء الهی در محلی خاص، فضایی برای تجربه جدی جلوه‌های متعالی از حضور ایشان را فراهم می‌کند؛ جلوه‌هایی که البته با دغدغه‌ها و خواسته‌ها و آرمان‌های فرد زائر تناسب تام دارد. بدین سان، از منظر تاریخ فرهنگ، می‌توان زیارت را «جابه‌جایی نمادین بدن‌های محدود شده، در مسیرهای جغرافیایی به مکان مشخص با نظام معنایی تثبیت شده» تعریف کرد. مسئله تجهیز مادی برای جابه‌جایی به مکانی مشخص، به همراه حرکات بدنی، ضمن زیارت و به هدف پاک‌سازی جسم است که سبب می‌شود این پدیده را در زمره آیین‌های مذهبی بدانیم.

زیارت مشاهد

«مشهد»، مفهومی اعم از مزار است، به بیان دیگر مشهد یعنی هر جایی که به سبب انتساب به دین یا شخصیت‌های دینی، از قداست برخوردار است. می‌توان مشهد را معادل با «یادمان» گرفت. شاید به عنوان کهن‌ترین مصداق زیارت مشهد بتوان زیارت خانه کعبه و مزار اهل بیت (ع) را مثال آورد. چهره بنیانگذار و شاخص در ترویج زیارت مشهد، امام صادق (ع) است. وی افزون بر ترویج زیارت مساجد در کوفه و مدینه، همچون مسجد سهله و مسجد قبا، زیارت منبر پیامبر (ص) در مسجد مدینه و حتی مکان برگزاری آیین‌های عروسی پیامبر اکرم (ص) را نیز همچون مکان‌هایی شایان زیارت می‌شناساند. امام حتی برای زیارت اماکن مختلف زیارتی در مدینه نیز ترتیبی مشخص نموده و آدابی به هر یک اختصاص می‌دهد. امری که باز هم گرایش او به توسعه زیارت مشهد را نشان می‌دهد.^۱

در خارج از جهان تشیع، تا پیش از اوایل سده پنجم نمی‌توان شاهی بر زیارت مشهد ارائه کرد. باین حال، در این سده برای عامه مسلمانان زیارت مفهومی چنان گسترش پیدا کرده است که دیگر نه تنها اشخاص و قبور، بلکه همه مکان‌های دارای قداست نیز می‌توانند ضمن آن جاگیرند.

یک سده بعد، وقتی ابن عساکر، در کتاب خود بانی را در فضل مساجد شایان زیارت شام نوشت، بسیاری مکان‌های زیارتی و مشهد این سرزمین را نیز یاد کرد؛ موضعی همچون مکان کشته شدن هابیل توسط قابیل، مکانی که در آن خون آدم

مجمعه آشوری در زیر زیارتگاه حضرت یونس در موصل عراق